

حمد نزد عارف اظهار صفات کمالیه است



آیت‌الله محقق‌داماد با اشاره به نظر ملاصدرا در مورد حمد اظهار کرد: نزد عارف محقق، تعریف حمد عبارت از اظهار صفات کمالیه است.

آیت‌الله محقق داماد با اشاره به نظر ملاصدرا در مورد حمد اظهار کرد: نزد عارف محقق، تعریف حمد عبارت از اظهار صفات کمالیه است. ممکن است از کسی تجلیل کنید، اما این تجلیل در تشکر کردن خلاصه شود که حمد نیست، اما اگر صفات حمیده را مطرح کردید، حمد تحقق یافته است و در میان انواع حمد لفظی و عملی نیز نوع دوم اقوی است.

به گزارش ایکننا، چهارمین جلسه «تفسیر قرآن در حکمت متعالیه» با محوریت تفسیر آیات سوره حمد و با تدریس آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، شب گذشته، ۲۵ آبان ماه برگزار شد که در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

به نظر ملاصدرا، مظهر بارز حمد، ثناء به لسان است. یعنی به زبان حمد کردن و ستودن که از نظر عرف عامه اینطور است. متعارف مردم عوام، ستایش را به زبان می‌دانند، اما ملاصدرا می‌گوید به نظر بنده درست است که حمد باید با کلام باشد، اما چه کلامی؟ کلام اختصاص به لسان ندارد. کلام را در زبان اولیه عرفی عامیانه به زبان می‌دانید، اما قرآن مجید اینار را کلمة‌الله می‌داند. در آیه شریفه فرمود: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا». یعنی اگر دریاها برای کلمات خدا قلم شوند، دریاها پایان می‌یابند و کلمات خدا پایان نمی‌یابد. این کلمه، لفظی نیست، اینار نیز کلمه لفظی نیست. ملاصدرا شاهد مدعای خود را یک آیه قرآن می‌داند که در سوره اسراء، آیه ۴۴ آمده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»، هیچ چیزی در جهان نیست و هیچ شیئی نیست، مگر اینکه دارد تسبیح حمد خدا را می‌کند، اما شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. بنابراین حقیقت حمد نزد عارف، مفهوم دیگری دارد. حمد نزد عارف اظهار صفات کمالیه است

می‌گوید نزد عارف محقق، تعریف حمد عبارت از اظهار صفات کمالیه است. اگر خواستید در یک جلسه ای، در تکریم یک کسی سخن بگویید و از ایشان تشکر کنید، اما به خوبی‌های ایشان اشاره ای نکنید و بیان صفات حمیده اش را ارائه ندهید، این حمد نیست، بلکه حمد یعنی اظهار صفات کمالیه یک چیز. مثلاً شما اگر یک ڈر را بردارید و ویژگی‌های آن را بگویید، می‌شود حمد آن. اما این اظهار، حداقل دو نوع است؛ اظهار صفات کمالیه گاهی با زبان صورت می‌گیرد. یعنی شما پشت تریبون قرار می‌گیرید و در مورد صفات حمیده یک کسی صحبت می‌کنید. اما گاهی هم اینطور است که با عمل این کار را می‌کنید.

ملاصدرا می‌گوید اول کسی که حمد فعلی را انجام می‌دهد، خداوند است که اظهار صفات کمالیه می‌کند و این صفات را به منصف ظهور می‌رساند. دسته دیگر که حمد فعلی می‌کنند، انبیا(ع) نسبت به خداوند هستند. یعنی خدا را حمد می‌کنند، اما حمدشان لفظی و عملی است. یک نبی کاملی که خدا به نمایندگی خود می‌فرستد، کارهای خوبی می‌کند و حرف‌های خوبی می‌زند که حمد خدا است. یعنی او خدا را می‌نماید. ملاصدرا می‌گوید در این دو دلالت، دومی قوی‌تر است. اولی فقط لفظی است که در لفظ می‌گوییم فلان آقا راستگو و ... است که یک دلالت لفظی دارد، اما ایشان می‌گویند دلالت فعلی اقوی است.

اولی که دلالت لفظی است، به واضع الفاظ بستگی دارد. تمام کلماتی که دلالت می‌کند و ذهن شما را راهنمایی می‌کند که متوجه شوید من می‌خواهم چه چیزی بگویم، بستگی به وضع الفاظ دارد و در دایره زبان فارسی معنا دارد و فارسی زبان می‌فهمد. ممکن است غرض من این بوده که بگویم فلان آقا زبل است و مرادم باهوش باشد، اما ممکن است شما مفهوم دیگری بفهمید. پس بستگی به رابطه لفظ و معنا دارد و دلالتش قطعی نیست. اما دلالت فعل، اینطور نیست. برای نمونه فرض کنید که کسی مرد میدان جنگ است و نیزه را می‌گیرد و امنیت را با شجاعت ایجاد می‌کند و حرفی هم نمی‌زند. این شجاعت فعلی، دلالتی تخلف‌ناپذیر است. یا یک کسی به دیگران کمک می‌کند که به این فرد سخنی می‌گویند و اعمالش دلالت بر سخاوت می‌کند. حمد خدا نسبت به خودش اجل مراتب حمد است

ملاصدرا می‌گوید حمد خدا نسبت به خودش اجل مراتب حمد است. خدا اولین حامد خودش است که اظهار صفات کمالیه می‌کند و تمام موجودات را ایجاد می‌کند و این هستی که موجود شد و خداوند بسط وجود داد، حمد خودش را

کرد و صفات کمالیه خود را نشان داد. یعنی گل، دریا، صحرا و ... را آفرید که تمام اینها یک مرتبه وجود پیدا می کند و وجود خارجی دلالت بر صفات کمالیه می کند و تناهی ندارد. هستی تناهی ندارد. پس خداوند از صفات کمالیه خود به وسیله خلقت کشف کرد و این نسبت به دلالت اظهار است، چون دلالتش غیرمتناهی است و هر ذره ای از ذرات وجود، دلالت بر صفات کمالیه خدا می کند. یک گل زیبا را بردارید و ببینید چطور صفات کمالیه و زیبایی خدا را بیان می کند و این در الفاظ دلالت ندارد.

این ایجاد، حمد به معنای مصدری است و به منزله تکلم به کلمات است و خداوند با ایجاد جهان، پرده از وجود خود برداشت. بنابراین به یک معنا نتیجه می گیریم که اگر حمد را بر هر موجودی اطلاق کنیم، صحیح است، چون اینها اظهار صفات کمالیه خداوند است و هر صفتی را یک موجودی نشان می دهد. پس همه موجودات حمد هستند و حامد. مانند وجود و موجود که اینها دوتا نیست، بلکه یکی است. اینجا نیز هم حمد است و هم حامد، چون صفات کمالیه خداوند را بیان کرده است. سپس به آیه «أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» اشاره می کند که می گوید همه موجودات نطق دارند و خدا به همه چیز نطق داده است. به یک نگاه، یک سنگ ریزه یک حمد است، برگ درخت یک حمد است و کوه دماوند نیز یک حمد دیگر است. به یک معنای دیگر، تمام جهان یک حمد واحد و حامد واحد است، چون تمام جهان یک انسان واحد کبیر است و حقیقت واحدی دارد. لذا است که اینجا ملاصدرا می گوید جهان انسان کبیری است و حقیقت واحد، صورت واحد و خرد و عقل واحدی نیز دارد و یک خرد واحد بر این جهان حکم فرما است که عقل اول است.

عقل اول، صورت بالفعل جهان است که آن، حقیقت تمامیه محمدیه است. پس اجل مراتب حمد و اعظم مراتب حمد، همان حمد حضرت ختمی مرتبت(ص) است که قائم به وجود خاتمیت او است و او مقام محمود دارد. بنابراین او، احمد، محمود و محمد است. پس حمد در حقیقت اولیه خلاصه می شود. ذات رسول خدا(ص) اقصی مراتب حمد است که خدا خود را با ظهور او حمد کرده است و با فرستادن او به زمین، حمد خدا ارائه شده است و نمونه خداوند روی زمین و پرچم حمد است و محمود و احمد از مشتقات حمد هستند.